



مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

ولایت امام علی (ع) در قرآن و حدیث از نظر فریقین

استاد راهنما:

دکتر محمد تقی دیاری بیدگلی

محقق:

عزیز الله کاظمی

سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۱۳۸۳

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار:

تازیانه درد آوری که بر پشت بشریت از ناحیه جدا شدن و فاصله گرفتن از ولایت و امامت فرود آمده، همگی درد و عذاب آن را چشیده‌اند، فاصله گرفتن از ولایت انحطاطی دردناک بود، که بر پیکر تاریخ درخشان اسلام وارد شد. بدیهی است، که جبران این خسارت بزرگ که تمام بشریت از آن رنج می‌برند، تمسک فرد بشریت به ولایت و امامت است.

ولایت علی علیه السلام پناهگاه پرمایه‌ای است، برای بشریت و به خاطر پی ریزی و بنیاد جامعه‌ای فاصله و زندگی سعادت‌مندان به ولایت تمسک کرد. ولایت و امامت مشعل فروزانی است، که خداوند تبارک و تعالی آن را برای بشریت روشن نموده، تا تاریکی‌ها را از جلو پاها و دیدگان ما به واسطه نور ولایت برطرف سازد، ولایت و امامت موضوعیست که اعتماد انسان را نسبت به خود و به زندگی و هدف‌های دور و سعادت بخش آن، همیشه تجدید می‌نماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار:..... ۵

فصل اول

امام علی (ع) در دوران حیات پیامبر (ص)..... ۸

بنام خداوند..... ۹

۱/۱ - علی (ع) در آغوش پیامبر (ص):..... ۱۰

۲/۱ - علی (ع) پیشتاز در ایمان و اسلام:..... ۱۳

۳/۱ - معرفی علی بن ابی طالب (ع) در آغاز بعثت پیامبر (ص):..... ۱۶

۴/۱ - جان نثاری علی (ع) در بستر پیامبر (ص):..... ۲۱

۵/۱ - انعقاد پیمان برادری میان پیامبر (ص) و علی (ع):..... ۲۴

۶/۱ - حضور علی (ع) در میدان نبرد بدر:..... ۲۵

۷/۱ - حضور علی (ع) در میدان نبرد احد:..... ۲۷

۸/۱ - حضور علی (ع) در میدان نبرد خیبر:..... ۳۱

فصل دوم

ولایت امام علی (ع) در قرآن:..... ۳۹

۱/۲ - آیه تطهیر:..... ۳۹

۲/۲ - آیه اکمال دین:..... ۵۹

روز اکمال دین چیست؟..... ۶۱

۶۳	احادیث و روایات پیرامون اکمال دین:
۶۵	۳/۲- آیه ولایت:
۷۳	۴/۲- آیه تبلیغ:
۸۲	۵/۲- آیه مؤذنت:
۸۶	آیه قربی در احادیث اسلامی:

فصل سوم

۹۹	ولایت امام علی (ع) در احادیث نبوی:
۹۹	۱/۳- حدیث معروف و متواتر غدیر که از شیعه و سنی نقل شده است:
۱۰۰	۲/۳- حدیث منزلت:
۱۰۱	۳/۳- حدیث ثقلین:
۱۰۴	۴/۳- حدیث سفینه:
۱۰۶	۵/۳- حدیث نجوم:
۱۰۷	۶/۳- لزوم فرمانبرداری از امام علی (ع):
۱۰۹	۷/۳- حق مداری و همراهی با قرآن:
۱۱۳	فهرست منابع



چنانچه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به اهمیت این موضوع اشاره می کند و می فرماید: «امامت زمام دین و نظام مسلمین، و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است، امامت اساس اسلام بارور، و شاخه بلند آن است، با امام نماز و زکات و روزه و حج و جهاد کامل می شود و اموال بیت المال و انفاق به نیازمندان فراوان می گردد و اجرای حدود و احکام و حفظ مرزها و جوانب کشور اسلام به وسیله امام صورت می گیرد. امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می شمرد، و حدود الهی را بر پا می دارد و از دین خدا دفاع می کند و به سوی داه پروردگارش به وسیله دانش و اندرز نیکو و دلیل رسا و محکم دعوت می کند^(۱)؛» به خاطر نیاز شدید جوامع انسانی و فرورفتن بشریت در منجلاب خرافات و تشدید نابرابری و بی عدالتی، دست نیاز به طرف ولایت و امامت دراز می کنیم، تا همه انسانیت تشنه صلح و برابری از منبع جوشان و اقیانوس پر فیض ولایت بهره بگیرند و کسب فیض نمایند. در این رساله، برای اثبات ولایت امام علی علیه السلام به سه مجموعه از دلیل های متقن و محکمی اشاره می شود که از منابع و کتب معتبر عالمان و بزرگان شیعه و سنی استفاده شده:

۱ - نمونه چند از رویدادهای که در زندگی حضرت علی علیه السلام در این زمینه نقل شده است، پیامبر صلوات الله علیه و آله به اذن خداوند در هر موقعیت و مناسبت و فرصتی او را به مردم شناساند تا مقدمات خلافت و جانشینی پس از خود را برای او آماده سازد به طوری که خود مردم ارزش علی علیه السلام را به نحوی درک کنند، که او را استمرار



راه پیامبر ﷺ بدانند.

۲ - چند نمونه از محکم‌ترین آیات مربوط به ولایت علی علیه السلام که مفسران و عالمان بزرگ شیعه و سنی در منابع معتبر خود آورده‌اند.

۳ - احادیث متواتری که در صحیح‌ترین کتاب‌ها و متن‌های حدیثی و تاریخی شیعه و سنی در باره ولایت علی علیه السلام نقل شده است.

هر انسان منصف اگر با سعه صدر و بدون تعصب‌های مذهبی، این مجموعه کوچک را مطالعه کند، قطعاً از آفتاب زیبایی ولایت علی علیه السلام در زندگی خود بهره‌مند می‌شود.

فصل اول

امام علی (ع) در دوران حیات پیامبر (ص)



بنام خداوند

حضرت علی علیه السلام در روز جمعه ۱۳ رجب در سال سی ام عام الفیل در درون خانه کعبه، به دنیا آمد. پدرش ابوطالب، فرزند عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف؛ مادرش هم فاطمه، دختر اسد بن هاشم بود، که از هر دو طرف هاشمی نسب است.

اما ولادت این کودک با تحولات عجیب معنوی توأم بوده است. شیخ صدوق در «أمالی» از یزید بن قعنب روایت کرده که گفت: من با عباس بن عبدالمطلب و گروهی از عبد العزی در کنار خانه خدا نشسته بودیم که فاطمه بنت اسد مادر امام علی علیه السلام در حالی که نه ماه آبستن بود و درد مخاض داشت آمد و گفت: خدایا من به تو و بدانچه از رسولان و کتابها از جانب تو آمده‌اند، ایمان دارم. و سخن جدم ابراهیم خلیل را تصدیق می‌کنم و اوست که این بیت عتیق را بنا نهاده است. به حق آن که این خانه را ساخته است و به حق مولودی که در شکم من است ولادت او را بر من آسان گردان، یزید بن قعنب گوید:

ما به چشم خود دیدیم، که خانه کعبه از پشت (مستجار) شکافت و فاطمه به درون خانه رفت و از چشم ما پنهان گردید. و دیوار به هم برآمد، چون خواستیم، قفل درب خانه را باز کنیم گشوده نشد. لذا دانستیم که این کار از امر خدای عزوجل است و فاطمه پس از چهار روز بیرون آمد و در حالی که علی علیه السلام را در روی دست داشت، گفت: من بر همه زنهای گذشته برتری دارم. زیرا آسیه خدا را به پنهانی پرستید در آنجا که پرستش خدا جز از روی ناچاری خوب نبود و مریم دختر عمران نخل خشک را به دست خود جنبانید تا از



خرمای تازه چید و خورد (و هنگامی که در بیت المقدس او را درد مخاض گرفت، ندا رسید که از اینجا برون شو اینجا عبادتگاه است، نه زایشگاه) و من داخل خانه خدا شدم و از میوه‌های بهشتی و بارو برگ آنها خوردم و چون خواستم برون آیم هاتفی ندا کرد، ای فاطمه! نام او را علی بگذار که او علی است و خداوند علی الاعلی فرماید: نام او را، از نام خود گرفتم و به ادب خود تأدیش کردم و او را بغامض علم خود آگاه گردانیدم و اوست که بت‌ها را از خانه من می‌شکند و اوست که در بام خانه‌ام، اذان گوید و مرا تقدیس و تمجید نماید خوشا بر کسی که او را دوست دارد و فرمانش برد و وای بر کسی که او را دشمن دارد و نافرمانیش کند^(۱). چنین افتخاری منحصر به فردی که برای علی علیه السلام حاصل شده است، برای احدی نیست چنانچه ابن صباغ مالکی در فصول المهمة گوید:

«وَلَمْ يُولَدْ فِي الْبَيْتِ الْحَرَامِ قَبْلَهُ أَحَدٌ سِوَاهُ وَ هِيَ فَضِيلَةٌ حَصَّهَ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا إِجْلَالاً لَهُ وَ إِعْلَاءً لِمُرْتَبِهِ وَ إِظْهَاراً لِتَكْرَمَتِهِ^(۲)». یعنی: پیش از آن حضرت احدی در خانه کعبه ولادت نیافت، مگر خود او و این فضیلتی است، که خدای تعالی به علی علیه السلام اختصاص داده، تا مردم مرتبه بلند او را بشناسند و از او تجلیل و تکریم نمایند.

۱/۱ - علی (ع) در آغوش پیامبر (ص):

دوران کودکی یکی از دوره‌های بسیار حساس زندگی است. زیرا دوره پذیرش تربیتی و روحی انسان در این دوره است. شخصیت انسانی انسان شکل می‌گیرد.

۱ - امالی صدوق، مجلس ۲۷، ح ۹؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۸.

۲ - ابن صباغ مالکی، فصول المینة، ص ۲۹.



علی علیه السلام در این موقع حساس تحت سرپرستی حضرت محمد صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد. چون نبی گرامی اسلام در خانه عموی خود ابوطالب بزرگ شد و تحت حمایت او زندگی کرد. چنانچه این حمایت جانانه تا آخرین رمق حیات ابوطالب از برادر زاده‌اش ادامه پیدا کرد و او در تمام مشکلات و سختی‌ها یار و یاور پیامبر صلی الله علیه و آله بود، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به پاس احترام و به منظور تشکر و قدردانی از فداکاری‌های عموی خود، در دوران کودکی، در صدد بود، که به نحوی از انحا و بنا به وظیفه حق شناسی کمک به عموی مهربان خود نموده باشد.

اتفاقاً در یک سال قحطی و گرسنگی بزرگ در مکه رخ داد و ابوطالب هم دارای عائله‌ای زیاد بود. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به عموی دیگر خود عباس که از ثروتمندترین بنی هاشم بود، پیشنهاد کرد که هر یک از ما یکی از فرزندان ابوطالب را به خانه خود ببریم، تا فشار مالی ابوطالب کم شود، عباس موافقت کرد و هر دو پیش ابوطالب رفتند و موضوع را با او در میان گذاشتند، ابوطالب هم موافقت کرد و در نتیجه عباس «جعفر» و حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله «علی» را به خانه خود برد. علی علیه السلام همچنان در خانه حضرت بود، تا این که خداوند او را به پیامبری مبعوث کرد^(۱).

علی علیه السلام در زیر نظر چنین مربی و معلمی مانند پیامبر صلی الله علیه و آله که آیه: عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى^(۲)؛ در شأن او نازل شده و خود در مکتب ربوبی تأدیب و تربیت شده است، رشد و نمو یافت علی علیه السلام در خطبه «قاصعه» به این دوره تربیتی نورانی خود اشاره می‌کند و

۱ - ابن اثیر، الکامل فی التاریخ دار صادر، بیروت، ۱۳۹۹ هـ ق، ج ۲، ص ۵۸، طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۲۱۳.
۲ - سوره نجم، آیه ۵.



می فرماید: «وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ وَ الْمَنْزِلَةِ الْخَاصَّةِ...»؛ شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا ﷺ در خویشاوندی نزدیک، در مقام و منزلت ویژه می دانید پیامبر ﷺ مرا در اطاق خویش می نشاند، در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می گرفت و در بستر مخصوص خود می خوابانید، بدنش را به بدن من می چسباند و بوی پاکیزه خود را به من می بویاند و گاهی غذای را لقمه، لقمه در دهانم می گذارد، هرگز دروغی در گفتار من و اشتباه در کردارم نیافت، از همان لحظه که پیامبر ﷺ را از شیر گرفتند خداوند بزرگترین فرشته (جبرئیل) خود را مأمور تربیت پیامبر ﷺ کرد، تا شب و روز، او را به راههای بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند، و من همواره با پیامبر ﷺ بودم، چونان فرزند که همواره با مادر است. پیامبر ﷺ هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد، که به او اقتداء کنم، پیامبر ﷺ چند ماه از سال را در غار «حراء» می گذراند، تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمی دید، در آن روزها در هیچ خانه اسلام راه نیافت جز خانه رسول خدا ﷺ که خدیجه هم در آن بود و من سوّمین آنان بودم، من نور وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را می بوییدم، من هنگامی که وحی بر پیامبر ﷺ فرود می آمد ناله شیطان را شنیدم، گفتم: ای رسول خدا این ناله کیست؟

گفت: شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گردید. و فرمود: «علی! تو آنچه را من می شنوم، می شنوی و آنچه را که من می بینم، می بینی، جز این که تو پیامبر نیستی، بلکه



وزیر من بوده و به راه خیر می‌روی (۱).

بدین ترتیب دو عامل مهم یکی پاکی روح علی علیه السلام و دیگر تربیت‌های پیگیر پیامبر صلی الله علیه و آله باعث شد که علی علیه السلام با قلب حساس و دیده نافذ و گوش شنوا، پیامبر گونه چیزهای را ببیند و اصوات را بشنوند، که برای انسان‌های عادی ممکن نیست و او تنها کسی است، که با پیامبر صلی الله علیه و آله همگام و در هر قدم از زندگی او را تبعیت می‌کند و تمام حرکات‌اش پیامبر گونه است.

۲/۱ - علی (ع) پیشتاز در ایمان و اسلام:

نخستین افتخار علی علیه السلام یکتا پرست بودنش بود، که هرگز آلوده به شرک و بت پرستی نشد و پیشگام بودن او در پذیرفتن اسلام است. که بر همه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله سبقت گرفت. که قرآن کریم با صراحت این امتیاز را مورد تأیید قرار می‌دهد و می‌فرماید: **﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾** - **﴿أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾**؛ یعنی: «و پیشگامان، پیشگامان آنان مقربانند (۲)». و این موضوع یکی از افتخارات بزرگ، حضرت علی علیه السلام و منحصر به فرد اوست. که خداوند او را در این کارش تشویق نموده و مورد ستایش قرار می‌دهد.

مدارک و شواهد سبقت علی علیه السلام در متون اسلامی به قدر زیاد است، که بیان آن همه احادیث و مدارک کاری دشواری است. ولی به تعدادی از آنها اشاره می‌شود، که ذیلاً می‌آوریم:

۱ - محمد دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۹.

۲ - واقع، آیه ۱۰ - ۱۱.



ابن اسحاق گوید: پس از خدیجه نخستین کسی که از جنس مردان به رسول خدا ﷺ ایمان آورد و با او نماز گذارد و نبوت او را تصدیق کرد، علی بن ابی طالب بن عبد المطلب بن هاشم رضوان الله سلامه علیه بود و آن جناب در آن روز ده ساله بود.

ابن اسحاق گوید چون هنگام نماز می شد، رسول خدا به سوی درّه های شهر مکه می رفت و علی بن ابی طالب نیز در خفاء و پنهانی از پدرش ابوطالب و سایر عموها و قریش به همراه رسول خدا ﷺ می رفت و نمازهای خود را در آن جا می خواندند و چون شام می شد به خانه باز می گشتند (۱).

سلمان فارسی رضوان الله تعالی، چنین روایت می کند:

«عن سلمان رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: اولکم وارداً علی الحوض اولکم اسلاماً علی بن ابی طالب». نخستین کسی که در روز رستاخیز با من در کنار حوض (کوثر) ملاقات می کند، پیش قدم ترین شما در اسلام، علی بن ابی طالب است (۲).

امام علی علیه السلام در خطبه «قاصعه» در باره این موضوع می فرماید: «وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا...»؛ در آن روزها، در هیچ خانه اسلام راه نیافت، جز خانه رسول خدا ﷺ که خدیجه هم در آن بود و من سومین آنان بودم (۳).

۱ - ابن هشام، سیره النبویه، زندگانی حضرت محمد ﷺ، ترجمه سید هاشم رسولی، ج اول، ص ۱۶۰، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲ - امام حافظ ابی عبد الله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۶، ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۲۸.

۳ - محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۹۸.



امام در جای دیگر از سبقت خود در پذیرفتن دین اسلام چنین یاد می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنْابَ وَ سَمِعَ وَ أَجَابَ لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالصَّلَاةِ...»؛ خدایا من نخستین کسی هستم که به تو روی آورد و دعوت تو را شنید و اجابت کرد در نماز کسی از من جزء رسول خدا ﷺ پیشی نگرفت (۱).

در کتاب تاریخ طبری که یکی از معتبرترین کتب تاریخی اهل سنت است، محمد بن جریر طبری صاحب کتاب مذبور در تأیید این که علی ﷺ اولین کسی است، که اسلام آورده است ۱۵ تا حدیث از طرق متعدد نقل می‌کند، که به چند تا از آنها اشاره می‌شود: عن زید بن أرقم قال: «أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ»؛ زید رقم می‌فرماید: اولین کسی که با رسول خدا اسلام را پذیرفت، علی بن ابی طالب می‌باشد (۲).

عَنْ عِبَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ: أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَ أَنَا الصِّدِّيقُ الْكَبِيرُ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَاذِبٌ مُفْتَرٍ صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَبْلَ النَّاسِ بِسَبْعِ سِنِينَ»؛ از عباد بن عبدالله فرمود: من از علی ﷺ شنیدم که فرمود: من بنده خدا و برادر پیامبر ﷺ و صدیق اکبرم، این سخن را پس از من جز دروغگویی افتراساز نمی‌گویند، من هفت سال پیش از مردم با رسول خدا نماز گذاردم (۳)؛ عین عبارت فوق را، متقی هندی در کتاب کنز العمال خود آورده است، ج ۳، ص ۱۲۲، حدیث ش ۳۶۳۸۹.

۱ - پیشین، خطبه ۱۳۲، ص ۲۴۸.

۲ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۶. محب الدین طبری. الرياض النضرة، ج ۳، ص ۹۵.

۳ - پیشین، ج ۲، ص ۲۶۶، متقی هندی کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۲۲، ح ۳۶۳۸۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۷.



عن ابن عباس قال: «أَوَّلَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ». از ابن عباس که فرمود اولین شخصی که نماز خواند، علی عليه السلام بود (۱).

عن جابر قال: «بُعِثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْاِثْنَاءِ». از جابر که فرمود: حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روز دوشنبه مبعوث شد و علی عليه السلام روز سه شنبه با او نماز خواند (۲).

متقی هندی در کتاب کنز العمال آورده است. از «معاذ عدویة» نقل شده که می گوید: از علی عليه السلام بر منبر بصره چنین شنیدم که فرمود: «أَنَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ آمَنْتُ قَبْلَ أَنْ يَوْمِنَ أَبُو بَكْرٍ وَأَسْلَمْتُ قَبْلَ أَنْ يُسْلِمَ»؛ یعنی: منم صدیق اکبر (چراکه) ایمان آوردم پیش از آنکه ابوبکر ایمان آورد و اسلام آوردم قبل از آنکه او مسلمان شود.

اینها نمونه‌های از اقوال و احادیث بودند، که همه حاکی از یک روح بلند و بیدار اولین مسلمان بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان مردان بود و او نخستین کسی است که از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروی و متابعت می کند و آگاهانه با او قدم بر می دارد و فداکارانه و جانانه از مکتبش دفاع می کند.

۳/۱- معرفی علی بن ابی طالب (ع) در آغاز بعثت پیامبر (ص):

از این که حکومت حق خدا است، حاکم را هم خداوند تعیین می کند و رسول می فرستد، رسولان الهی است، که قانون حکومت الهی را برای مردم ابلاغ می کند و آنان را



به این حکومت و دستورات خداوندی دعوت می‌کند و در رأس همه کارهای مهم جامعه، آنان قرار می‌گیرد.

پیامبر ﷺ از این که خاتم پیامبران است، نسبت به این امر توجه ویژه و خاص خودش را دارد و در این راستا که پیاده کردن حکومت الهی در سرزمین الهی باشد، بیشتر از همه پیامبران رنج و مشقت فراوان را متحمل شده است. لذا به خاطر اهمیت این امر خطیر از روزهای اول بعثت به حکومت و ولایت بعد از خود توجه دارد. چون ولایت و امامت تکمیل کننده رسالت و ادامه دهنده هدف و انگیزه رسالت هست. و به عبارت واضح تر این که امامت همان استمرار نبوت است و نبوت هم استمرار ولایت الهی است. لذا ولایت برای شخص غیر خدا باید با جعل الهی باشد؛ لذاست که پیامبرگرامی اسلام ﷺ در یک روز نبوت خود و امامت علی ﷺ را اعلام کرد.

روزی که به بستگان و خویشاوندان خود گفت: مردم من پیامبر خدا هستم، درست در همان روز فرمود: که علی ﷺ وصی و جانشین من است، همه اینها دلیل بر این است، که دو مقام از یکدیگر جدا نبوده و همواره امامت مکمل برنامه‌های رسالت است.

در اوائل بعثت پیامبر ﷺ تا سه سال از دعوت عمومی خود داری می‌کرد و فقط در تماس‌های خصوصی با افرادی که زمینه پذیرش اسلام را در آنها احساس می‌کرد و از آنها دعوت به اسلام می‌کرد. بعد از سه سال آیه: ﴿وَ أَنْذِرِ عَشْرَتِكَ الْأَقْرَبِينَ﴾، نازل شد؛ «بستگان نزدیک خود را از عذاب الهی بیم ده (۱)».



به همین خاطر پیامبر ﷺ به علی ؑ دستور داد، که چهل نفر از شخصیت‌های بزرگ بنی هاشم را برای ضیافت ناهار دعوت کند، و غذای از گوشت همراه با شیر آماده سازد، مهمانان همگی در وقت معین به حضور پیامبر ﷺ آمدند و پس از صرف غذا ابولهب عموی پیامبر ﷺ با سخنان سبک مجلس را بر هم زد و مجلس بدون نتیجه به پایان رسید. و همه خانه پیامبر ﷺ را ترک کردند، پیامبر ﷺ تصمیم گرفت، که فردای آن روز ضیافت دیگری ترتیب دهد و همه آن‌ها را جز ابولهب به خانه دعوت نماید، باز علی ؑ مثل روز گذشته طبق دستور پیامبر ﷺ غذا آماده نموده آن‌ها را دعوت کرد، همه در زمان مقرر آمدند، پیامبر ﷺ پس از صرف غذا سخنان خود را چنین آغاز کرد: «هیچ کس از مردم برای کسان خود چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است، من خیر دنیا و آخرت برای شما آورده‌ام، خدایم به من فرمان داده که شما را به توحید و یگانگی و رسالت خویش، دعوت کنم، چه کسی از شما مرا در این راه کمک می‌کند، تا برادر و وصی و نماینده من در میان شما باشد»؟

این جمله‌ها را پیامبر ﷺ گفت و کمی مکث کرد، تا ببیند که کدام یک از آن‌ها به ندای او پاسخ مثبت می‌دهد، در این موقع سکوت مطلق بر مجلس حکومت می‌کرد، همه سر به زیر افکنده و به فکر رفته بودند، ناگهان علی ؑ سکوت را در هم شکست و برخاست رو به پیامبر ﷺ کرد و گفت: «ای پیامبر! خدا من تو را در این راه یاری می‌کنم».

پس دست خود را به سوی پیامبر ﷺ دراز کرد، تا او را به عنوان پیمان فداکاری



بفشارد، ولی در این زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور داد که علی عَلِيٌّ بنشیند، بار دیگر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعوت خود را تکرار نمود، باز علی عَلِيٌّ بر خاست و آمادگی خود را اعلام کرد، این بار نیز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او دستور داد، که بنشیند و در آخرین مرحله نیز مانند دفعات پیشین کسی جز علی عَلِيٌّ بر نخواست، و تنها او پشتیبانی خود را از هدف مقدّس و والای پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعلام نمود، در این موقع و شرایط حساس بود که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست خود را بر دست علی زد و جمله تاریخی و اساسی خود را (در اولین دعوت عمومی به رسالت خویش) در مجلس بزرگان بنی هاشم در باره ولایت علی عَلِيٌّ بیان کرد و فرمود:

«انّ هذا أخى و وصّى و خلیفتى فىکم، فاسمعوا له و اطیعوا!»؛ هان ای خویشاوندان و بستگان من! این علی عَلِيٌّ برادر و وصی و خلیفه من در میان شما است. پس به فرمان او گوش دهید و از او اطاعت نمایید. می گوید در آن موقع آنها بلند شدند و خندیدند، به ابوطالب گفتند: تو را امر کرد که به سخنان فرزند خود گوش دهی و از او اطاعت نمایی^(۱). و همچنین محمد بن اسحاق در کتاب «سیره النبویه» که اولین کتاب از زندگی حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و ابن هشام آن را جمع آوری نموده است، به سیره ابن هشام معروف است. به مطالبی در باره این موضوع اشاره نموده است.

این که در سال دهم بعثت ابوطالب که پشتوانه نظامی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود و خدیجه که

۱ - محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، مؤسسه اعلمی، ج ۲، ص ۲۳۴. ابن اثیر، الکامل فى التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ هـ، ج ۲، ص ۶۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد، ابو الفضل ابراهیم، ج ۱۳، ص ۱۴۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۳۳، ح ۳۶۴۱۹.



پشتوانه اقتصادی پیامبر ﷺ بود، از دنیا رفتند، پشت پیامبر ﷺ خالی شد، دو فرد از بهترین مدافعان خود را از دست داد، که آنها سهم بسیار فعال و چشم‌گیری در موفقیت پیامبر ﷺ در امر رسالت داشتند.

پیامبر ﷺ در این سال در امر تبلیغ تشدید بیشتر نمود، ابن اسحاق می‌گوید: در موسم آمدن قبائل به مکه پیامبر ﷺ در یک قبیله (بنام قبیله بنی عامر) آمد و آنها را دعوت به اسلام کرد، چون پیامبر ﷺ دعوت خویش را به آنان اظهار داشت مردی از آنها بنام (بیحرة) گفت: به خدا اگر من این جوان را از قریش بستانم، به وسیله او می‌توانم، عرب را تحت فرمان خویش در آورم، آنگاه رو به حضرت کرد و گفت: اگر ما فرمان‌پذیر تو شویم و خدا تو را بر دشمنان پیروز گرداند آیا فرمانروای را پس از خودت به ما می‌سپاری؟ رسول خدا ﷺ فرمود: این کار به دست خداست و هر که را او بخواهد. پس از من زمامدار مردم خواهد نمود. بیحرة گفت: آیا رواست که ما سینه‌های خود را هدف دشمنان تو قرار دهیم و چون بر آنها پیروز شدی، کار را به دیگری واگذار کنی؟ ما را به تو و کاری تو نیازی نیست و بدین ترتیب سخنان آن حضرت را نپذیرفتند^(۱) همه مطالب بالا دلیل بر این است که امر خلافت و ولایت چیزی جدا از رسالت و نبوت نیست بلکه استمرار همان نبوت است، که باید با نص الهی تعیین شود.

۱ - سید هاشم رسولی، ترجمه سیره النبویه، زندگی حضرت محمد (ص)، ج ۱، ص ۲۷۵، باب دعوت رسول خدا (ص)، از قبائل عرب.